

پژوهشهای حقوقی

شماره ۴

هزار و سیصد و هشتاد و دو - نیمسال دوم

مقالات

- محاکمه «صدام» و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی
- رأی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه سکّوهای نفتی: دیپلماسی قضائی در دادرسی بین‌المللی
- مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه
- آژانس چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری (میگا) و استانداردهای سرمایه‌گذاری خارجی
- بررسی امکان اعمال اصل ممنوعیت اعاده در مواجهه با حرکات گسترده آوارگان جنگی
- ماهیت حقوقی ضمانت نامه‌های بانکی در ایران

موضوع ویژه: حقوق بین‌الملل و تحکیم امنیت انمی

- ارزیابی تحکیم امنیت هسته‌ای و نظام عدم گسترش با معیار حقوق بین‌الملل عرفی
- سلاح‌های هسته‌ای، نقطه تلاقی حقوق توسل به زور و حقوق بشردوستانه بین‌المللی
- در پرتو رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۱۹۹۶)
- جایگاه اجرای موقت پروتکل الحاقی معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در حقوق عمومی ایران
- حمایت از تأسیسات هسته‌ای در درگیری‌های مسلحانه

نقد و معرفی

- رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور (مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲) در خصوص رسیدگی به دعوای اعسار قبل از حبس: گامی به سوی تطبیق قانون داخلی با تعهد بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44808.html

حمایت از تأسیسات هسته‌ای در درگیری‌های مسلحانه*

محسن عبداللّهی**

چکیده: حقوق بشردوستانه بین‌المللی آزادی عمل طرف‌های متخاصم در درگیری‌های مسلحانه را محدود می‌نماید. پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو با ممنوع ساختن حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، تلاش کرده سکنه غیرنظامی اطراف این نیروگاه‌ها را مورد حمایت قرار دهد. شرایط حمایت از این نیروگاه‌ها و امکان تبدیل آن‌ها به هدف نظامی مشروع موضوع بحث این مقاله را تشکیل می‌دهد. **کلیدواژه‌ها:** تأسیسات هسته‌ای، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، هدف‌های نظامی، صلیب سرخ، شورای امنیت

مقدمه

تأسیسات هسته‌ای حاوی مواد خطرناکی هستند که در صورت رهایی نه تنها خسارات دیرپایی به محیط زیست وارد می‌سازند بلکه در صورت مجاورت با محل‌های مسکونی صدمات شدیدی را نیز به ساکنان وارد خواهند کرد. از این رو لزوم حمایت از این تأسیسات بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در این راستا اگر حمایت از تأسیسات هسته‌ای در زمان صلح محدود به مبارزه با فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی است در دوران جنگ لزوم چنین حمایتی

* این مقاله در اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی معاونت حقوقی و امور مجلس نهاد ریاست جمهوری تحقیق و تألیف شده و مسئولیت کلیه مطالب مندرج در آن به عهده نگارنده است.
** دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی. نگارنده سپاس و امتنان خود را از خانم فاطمه کیهانلو به جهت همکاری در تحقیق و تألیف مقاله ابراز می‌دارد.

دوچندان می‌شود چرا که صرف‌نظر از مشروعیت جنگ به وجود آمده که مربوط به حقوق توسل به زور^۱ می‌شود، حقوق بشردوستانه^۲ نیز در همه شرایط حمله به این تأسیسات را منع نمی‌کند.

حقوق بشردوستانه بر پایه اصل عدم آزادی نامحدود طرفین درگیر، در توسل به شیوه‌ها و ابزارهای جنگی استقرار یافته است. هدف از این اصل که برای اولین بار در اعلامیه ۱۸۶۸ موسوم به اعلامیه سن‌پترزبورگ به دعوت و ابتکار تزار روسیه به تصویب رسید، وضع محدودیت‌هایی بر طرفین متخاصم است تا به واسطه آن «ضروریات بشری جایگزین ضروریات جنگی شوند».^۳ این اصل که در زمان خود نیز بازتابی از موازین حقوق بین‌الملل عرفی به شمار می‌رفت،^۴ به تدریج در کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی وارد شد و در پرتو این اصل، دو اصل دیگر حقوق بشردوستانه یعنی اصل ممنوعیت ایجاد رنج بیهوده و اصل تفکیک غیرنظامیان متبلور شد. اصل ممنوعیت ایجاد رنج بیهوده دولت‌ها را موظف می‌کند در طول درگیری‌های مسلحانه از انجام هر عمل یا به کارگیری هر نوع وسیله‌ای که منجر به ایجاد صدمه غیرضروری یا ایجاد رنج بیهوده در نیروهای نظامی طرف مخاصمه شود، اجتناب ورزند. این ممنوعیت پس از اعلامیه سن‌پترزبورگ، در اسناد متعدد دیگر از جمله اعلامیه دوم لاهه ۱۸۹۹، کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷، پروتکل اول الحاقی به چهار کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) و کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف (۱۹۸۰)^۵ به عنوان یکی از اصول

¹ Jus ad Bellum

² Jus in Bello

³ St. Petersburg Declaration Reprinted in: *Documents on the Law of War*, Edited by Adam Roberts and Richard Guelff, 3rd ed., Oxford University Press, 2000, p. 54.

⁴ *Ibid.*, p. 56.

⁵ UN Convention on Prohibition or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May be Deemed to be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects

عمومی نشأت گرفته از حقوق بین‌الملل عمومی و بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مورد اشاره قرار گرفت.

به همین ترتیب اصل تفکیک، دولت‌های درگیر در یک مخاصمه را از توسل به سلاح‌های کوری که بدون امکان تمایز قائل شدن میان نظامیان و غیرنظامیان، به طور برابر هر دو را در معرض خطر قرار می‌دهند، باز می‌دارد. ضرورت رعایت این اصل ایجاب می‌کند طرفین مخاصمه از انجام حملات کورکورانه علیه غیرنظامیان مادام که به طور مستقیم در مخاصمات شرکت نکرده‌اند، خودداری نمایند. دامنه اجرای این اصل که مانند اصل ممنوعیت ایجاد رنج بیهوده در اسناد بین‌المللی متعددی متبلور شده، به ممنوعیت حمله به سکنه غیرنظامی محدود نمی‌شود بلکه به کلیه اموال و اهداف غیرنظامی از جمله اموال و اهدافی که به لحاظ ماهیت محل، هدف یا کاربرد، سهم مؤثری در عملیات نظامی نداشته و تخریب کل یا جزئی، تصرف یا از کار انداختن آن‌ها در شرایط زمانی موجود، یک مزیت نظامی معین محسوب نمی‌گردد، تسری می‌یابد. اموالی که مشمول این حمایت قرار می‌گیرند عبارتند از: اموال فرهنگی و مکان‌های عبادت، اموالی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری هستند، محیط زیست طبیعی و بالاخره کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروی خطرناک^۶ از جمله تأسیسات هسته‌ای.

با عنایت به اصول پیش‌گفته در این مقاله سعی می‌شود قواعد حقوقی موجود برای حمایت از تأسیسات هسته‌ای در زمان جنگ مورد بررسی قرار گیرد.

الف - ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای

حقوق بشردوستانه به منظور تعدیل خشونت‌های نظامی ضمن شناسایی و تثبیت دو اصل منع رنج بیهوده و تفکیک بین اشخاص و اهداف نظامی از غیرنظامی، به تدریج اقدام به تبیین مفهوم «هدف نظامی» نموده است. به عبارت دیگر با تعریف و تبیین

^۶ مواد ۵۳ تا ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷ همچنین قسمت‌های ۲، ۴، ۵، ۹ و ۲۵ از جزء «ب» بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

دقیق این مفهوم سعی در وادار ساختن طرفین درگیر به رعایت دو اصل فوق داشته است. با این حال نباید فراموش کرد که در درگیری مسلحانه اصل بر آزادی حمله به اهداف نظامی است مگر اینکه به طور صریح یا ضمنی، حمله به این اهداف مطابق اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه ممنوع شده باشد.

بند دوم ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی «هدف نظامی» را به شرح ذیل تعریف نموده است:

«... هدف‌های نظامی به اموالی محدود می‌شود که به لحاظ ماهیت محل، هدف یا کاربرد آن‌ها سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته و تخریب کلی یا جزئی، تصرف یا از کار انداختن آن‌ها در شرایط زمانی موجود یک مزیت نظامی معین محسوب گردد».

با توجه به این تعریف باید نتیجه گرفت که بی‌تردید تأسیسات هسته‌ای که در زمره تأسیسات زیربنایی کشورها در نظر گرفته می‌شوند، هدف نظامی مشروع بوده و حمله و انهدام کلی یا جزئی آن‌ها در زمان درگیری‌های مسلحانه مجاز است.^۷ با این حال نظر به نیروی خطرناکی که ممکن است در نتیجه حمله به این تأسیسات رها شده و صدمات شدید انسانی و زیست محیطی به بار آورد (نشت اورانیوم) به تدریج این اندیشه مطرح شده که حمله به چنین تأسیساتی ممنوع اعلام گردد. نیروهای ناشی از حمله به سدها، آب‌بندها، تأسیسات شیمیایی و میکروبی از جمله چنین نیروهایی هستند که در صورت رها شدن، بدون هرگونه تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان صدمات شدید و گسترده‌ای را باعث می‌شوند.

یک نمونه استفاده از این نیروها در جنگ‌های پیشین، تصمیم مقامات چینی برای منفجر کردن سد رودخانه زرد برای زمین‌گیر کردن نیروهای ژاپنی در حال پیشرفت در سال ۱۹۳۸ بود که به موجب آن تعداد بسیار زیادی از سربازها کشته یا

⁷ Stefan Deter, "Methods and Means of Combat", *The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts*, Edited By Dieter Fleck, Oxford University Press, 1998, pp. 195-196.

مفقود گشته و خسارات بسیار گسترده‌ای ایجاد گردید.^۸ حمله انگلستان به دو سد بزرگ آلمانی ادر و موهن^۹ در جنگ دوم جهانی (۱۹۴۳) نیز در همین راستا قابل ذکر است. در نتیجه این حمله ۱۲۵ کارخانه تخریب شد، سه هزار هکتار از اراضی کشاورزی به زیر آب فرو رفت؛ ۱۳۰۰ نفر کشته شدند و ۶۵۰۰ موجود زنده از بین رفت.^{۱۰} در خلال جنگ‌های کره و ویتنام نیز به سدها و آب‌بندها حمله شد.^{۱۱} متعاقب چنین حملاتی بود که افکار عمومی جهانی نسبت به حمله به تأسیسات خطرناک واکنش نشان داد و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (I.C.R.C.) را برانگیخت تا در سال ۱۹۵۶ به گنج‌نیدن ماده‌ای در «پیش‌نویس قواعد راجع به محدودیت به خطر انداختن سکنه غیرنظامی در زمان جنگ»^{۱۲} برای حمایت از تأسیسات دارای نیروی خطرناک اقدام نماید.^{۱۳} این پیش‌نویس با استقبال دولت‌ها مواجه نشد؛ از این رو کمیته در سال ۱۹۶۸ اقدام به تهیه طرح دیگری نمود که در این طرح، حمله به سدها، آب‌بندها و تأسیسات هسته‌ای به طور کلی ممنوع اعلام شده بود؛ ماده ۴۹ این طرح با عنوان «کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروی خطرناک» چنین مقرر می‌کرد: «۱. تخریب یا حمله به کارگاه‌ها یا تأسیسات دارای نیروهای خطرناک ممنوع است. این تأسیسات عبارتند از سدها، آب‌بندها و تأسیسات تولید برق هسته‌ای. این تأسیسات نباید هدف اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند. ۲. طرف‌های مخاصمه باید از استقرار اهداف نظامی در مجاورت تأسیسات مذکور در بند ۱ خودداری نمایند.»

⁸ I.C.R.C. Commentary to Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and Relating to Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol D), 8 June 1977, p. 668, para. 2142 (<http://www.icrc.org/ihl.nsf>).

⁹ Eder & Möhne

¹⁰ I.C.R.C. Commentary..., *op. cit.*, p. 668, para. 2143.

¹¹ *Ibid.*, para. 2144.

¹² Draft Rules for the Limitation of the Dangers Incurred by the Civillian Population in Time of War

¹³ I.C.R.C. Commentary..., *op. cit.*, p. 668, para. 2145.

۳. به منظور تشخیص و تمییز این تأسیسات، طرف‌های مخاصمه می‌توانند کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروی خطرناک را با نشان مخصوصی مرکب از نوارهای قرمز رنگ کج بر روی زمینه‌ای سفید علامت‌گذاری کنند. در هر صورت، فقدان چنین علامتی یک دولت عضو را از تعهدات مندرج در بندهای یک و دو این ماده مبرا نمی‌سازد.^{۱۴}

مباحثات طولانی راجع به این پیش‌نویس در کنفرانس دیپلماتیک برای مذاکره و تصویب پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو سرانجام منجر به تصویب اجماعی ماده ۵۶ پروتکل اول شد.^{۱۵} در این مجال قصد بررسی نظام حقوقی حاکم بر تمامی تأسیسات مورد نظر وجود نداشته و در عمل بحث به تأسیسات هسته‌ای محدود می‌گردد. به موجب بند اول ماده ۵۶ با عنوان حمایت از کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروی خطرناک:

«کارگاه‌ها یا تأسیسات دارای نیروی خطرناک یعنی سدها، آب‌بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق، حتی اگر اهداف نظامی باشند، در صورتی که حمله به آن‌ها موجب رها شدن نیروهای خطرناک و متعاقباً صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی شود، نباید مورد حمله قرار گیرند...»^{۱۶}

اولین و مهمترین قاعده‌ای که از ماده ۵۶ پروتکل استنباط می‌شود ممنوعیت اصولی حمله به تأسیسات هسته‌ای تولید برق است حتی اگر آن‌ها به موجب بند دوم ماده ۵۲ هدف نظامی باشند. چنین ممنوعیتی در پرتو سه نکته بسیار مهم قابل

¹⁴ *Ibid*, p. 668, Footnote No. 6.

¹⁵ *Ibid*, p. 669, para. 2145.

¹⁶ بند ۷ این ماده به منظور شناسایی این تأسیسات چنین مقرر داشته است: «به منظور تسهیل در کار شناسایی تأسیسات مورد حمایت این ماده، طرف‌های مخاصمه می‌توانند آن‌ها را با علامت مخصوصی متشکل از سه دایره به رنگ نارنجی روشن که در یک محور قرار گرفته‌اند به همان ترتیبی که در ماده ۱۶ ضمیمه اول این پروتکل مشخص شده، علامت‌گذاری نمایند. نبودن چنین علامتی به هیچ‌وجه طرف‌های مخاصمه را از تعهداتی که به موجب این ماده بر عهده دارند، معاف نمی‌سازد.»

بررسی است.

۱. اصل ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق

برخلاف فلسفه وجودی این ممنوعیت که جلوگیری از رها شدن نیروهای خطرناک منتهی به صدمات شدید انسانی است، به موجب ماده ۵۶ صرفاً نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق مورد حمایت قرار گرفته‌اند در حالی که تأسیسات هسته‌ای به هیچ‌وجه محدود به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق نمی‌شوند. این ضعف پروتکل در دکترین به بهترین وجه مورد انتقاد قرار گرفته است:

«حمایت موجود در پروتکل فقط نسبت به دسته محدودی از تأسیسات هسته‌ای قابل اعمال است. عبارت «تأسیسات هسته‌ای تولید برق» به طور بدیهی شامل نیروگاه‌های (راکتورهای) هسته‌ای است و شامل رآکتورهای تحقیقات هسته‌ای، تأسیسات غنی‌سازی، تأسیسات سوخت‌سازی، تأسیسات بازیافت هسته‌ای و تأسیسات انبار زباله‌های هسته‌ای نمی‌شود. تمامی این تأسیسات و به ویژه دو دسته اخیر در صورتی که مورد حمله واقع شوند، قادر به انتشار مقادیر قابل ملاحظه‌ای از مواد هسته‌ای هستند [در حالی که مورد حمایت واقع نشده‌اند].»^{۱۷}

اگر چه این نقطه ضعف در تفاسیری که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از مواد پروتکل ارائه کرده، مورد توجه واقع نشده است و رجوع به کارهای مقدماتی و مذاکرات دولت‌ها در کنفرانس دیپلماتیک نشان دهنده این واقعیت است که آن‌ها از طرفی به موجب ماده ۵۶ صرفاً تأسیسات هسته‌ای تولید برق را مد نظر داشته‌اند و از طرف دیگر برخلاف اعتقاد برخی علمای حقوق،^{۱۸} اصولاً تأسیسات مورد نظر ماده

¹⁷ Mohammed Elbaradei, Edwin Nwogugu and John Rames, "International Law and Nuclear Energy: Overview of the Framework", <http://www.iaea.or.at/worldatom/Periodicals/Bull373/rames.html>.

¹⁸ Peter Rowe, *The Gulf War 1990-1991 in International and English Law*, Routledge, Sweet & Maxwell, London, 1993, p. 385, Footnote No. 29.

۵۶ حصری بوده و نمی‌توان آن‌ها را تمثیلی دانست:

«چندین نماینده تمایل داشتند که ماده شامل تأسیسات دیگری و به ویژه تأسیسات تولید و ذخیره نفت گردد. در حالی که رایزنی آن‌ها موفقیت‌آمیز نبود و طرفداران طرح‌های اولیه، این پیشنهاد را کنار گذاشتند. با این حال هیچ تردیدی وجود ندارد که ماده ۵۵... نسبت به تخریب تجهیزات نفتی که منتهی به ریزش نفت به دریا شده و آن دسته از خسارات گسترده‌ای که مورد نظر ماده می‌باشد را به وجود آورده، اعمال خواهد شد. در مورد تخریب و به آتش کشیدن پالایشگاه‌ها و تأسیسات نگهداری نفت نیز باید گفت که ضرورت نگرانی ناشی از خطر عظیمی که ممکن است علیه سکنه غیرنظامی به وجود آورند، به سختی قابل اثبات است. تسری حمایت ویژه به چنین تأسیساتی بی‌تردید مسائل غیرقابل حلی را به وجود خواهد آورد. از این رو قابل فهم است که چرا زمانی که کنفرانس این ممنوعیت‌های مهم را تصویب می‌نمود، آن‌ها را محدود به اهداف خاصی کرد».^{۱۹}

نتیجه چنین وضعیتی این واقعیت است که طبق حقوق بین‌الملل موضوعه جز نیروگاه‌های هسته‌ای مولد برق، دیگر تأسیسات هسته‌ای با وجود تولید خطرات مشابه، اهداف نظامی مشروع قلمداد می‌شوند و طرفین درگیر می‌توانند آن‌ها را هدف قرار دهند.

برخلاف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اهتمام بیشتری نسبت به این مهم از خود نشان داده است. در این راستا این آژانس در بیست و هفتمین نشست کنفرانس عمومی خود در سال ۱۹۸۳ یعنی شش سال پس از تصویب پروتکل اول اقدام به تصویب قطعنامه‌ای^{۲۰} نمود که در آن از دولت‌های عضو برای حمایت از تأسیسات هسته‌ای که برای اهداف صلح‌آمیز به کار می‌روند دعوت به عمل آورده شده بود. این قطعنامه در سال ۱۹۸۵ دوباره مورد تأکید کنفرانس قرار

¹⁹ I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 669, paras. 2149-2150.

²⁰ International Atomic Energy Agency, General Conference (XXVII) Res./407.

گرفت.^{۲۱}

بند دوم از قسمت اجرائی این قطعنامه چنین اشعار می‌دارد:

«کنفرانس عمومی هرگونه حمله مسلحانه یا تهدید علیه تأسیسات هسته‌ای را که برای اهداف صلح‌آمیز به کار می‌روند، نقض اصول منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل و اساسنامه آژانس در نظر می‌گیرد».

چنانچه دیده می‌شود برخلاف مقررات پروتکل، در این قطعنامه به هیچ‌وجه حمایت از تأسیسات هسته‌ای محدود به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق نشده است. بنابراین باید پذیرفت که با وجود نقیصه پروتکل، قواعد حقوق بین‌الملل در این خصوص در حال توسعه می‌باشد.^{۲۲}

۲. شرایط حمایت از تأسیسات هسته‌ای مولد برق

برخلاف تبادر اولیه، پروتکل به هیچ‌وجه تأسیسات هسته‌ای را به طور مطلق مورد حمایت قرار نداده است.^{۲۳} به تصریح بند اول ماده ۵۶ پروتکل، تنها هنگامی حمله به تأسیسات هسته‌ای مولد برق ممنوع خواهد بود که چنین حمله‌ای «موجب رها شدن نیروهای خطرناک» و «صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی» گردد. تفسیر صلیب سرخ در این خصوص صریح به نظر می‌رسد:

«کارگاه‌ها و تأسیسات مورد نظر در درجه اول اهداف غیرنظامی به شمار می‌آیند و از این رو نباید مورد حمله قرار گیرند. اگر آنها مطابق با ماده ۵۲ تبدیل به هدف نظامی نیز شوند از حمایت ویژه برخوردار شده و نباید هنگامی که حمله به آنها در اثر رها شدن نیروهای خطرناک منجر به لطمات شدید به سکنه غیرنظامی می‌شود، مورد حمله قرار گیرند. از این رو اگر چنین حمله‌ای منجر به لطمات شدید نگردد مشروع خواهد بود مشروط به آنکه کارگاه‌ها یا تأسیسات هدف قرار گرفته شده صراحتاً مطابق با ماده ۵۲ تبدیل به هدف نظامی شده

²¹ G.C. Res. (XXIX) Res./444.

²² Elbaradei, et al., *op. cit.*

²³ Kalshoven, *op. cit.*, p. 97.

باشند...»^{۲۴}

با توجه به عبارات این ماده و نقطه نظر تفسیری صلیب سرخ می‌توان نتیجه گرفت که اجتماع هر دو شرط «رها شدن نیروهای خطرناک» و «صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی» شرط ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای مولد برق است وگرنه در صورتی که برای مثال حمله به نیروگاه هسته‌ای منجر به «رهایی نیروهای خطرناک» نشده و یا «رها شدن» چنین نیروهایی به هر دلیلی (از جمله دوری نیروگاه هسته‌ای از مناطق مسکونی) منجر به «صدمات شدید به سکنه غیرنظامی» نگردد، حمله به نیروگاه هسته‌ای که هدف نظامی باشد، مشروع خواهد بود. سابقه جنگ دوم خلیج فارس در این خصوص بسیار ارزنده است. در این جنگ دولت‌های ایالات متحد آمریکا و انگلستان دو مورد تأسیسات هسته‌ای عراق را هدف قرار داده و آن‌ها را از کار انداختند.^{۲۵} متعاقب چنین حمله‌ای هر دو دولت اعلام نمودند که به منظور پرهیز از هرگونه خسارات جمعی ناشی از انتشار مواد رادیو اکتیو، در حمله به این تأسیسات دقت زیادی مبذول داشته‌اند.^{۲۶} در این راستا وزیر امور خارجه انگلستان در گزارش خود به کمیته دفاعی مجلس اعیان با این مقدمه که دول متحد بر اساس گزارش‌های محرمانه به این نتیجه رسیده‌اند که عراق به دنبال تولید سلاح هسته‌ای است، چنین اظهار داشت که:

«در این قضیه ما نمی‌توانستیم هیچ‌یک از نیروهایمان را با خطر رویارویی با سلاح هسته‌ای و یا احتمالاً شکل خاصی از تشعشعات اتمی قابل توسعه روبه‌رو کنیم؛ از این رو برای مقابله با آن با لحاظ حداکثر دقت لازم و پس از برنامه‌ریزی دقیق برای به حداقل رساندن آلودگی هسته‌ای یا خطر هرگونه انتشار تشعشعات هسته‌ای از تأسیسات، با دقت و مراقبت به آن تأسیسات حمله کردیم. من از مدارکی که مؤید خطر انتشار تشعشعات از این تأسیسات باشد آگاهی ندارم و این نشانگر آن است که این تأسیسات با دقت و مراقبت

²⁴ I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 670, para. 2153.

²⁵ U.N. Doc. S/22168 (29 Jan. 1991).

²⁶ Rowe, *op. cit.*, p. 82.

برنامه‌ریزی شده بسیار زیادی مورد حمله قرار گرفته‌اند».^{۲۷}

در مقابل این گزارش، دولت عراق طی گزارشی به آژانس انرژی اتمی، با استناد به قطعنامه‌های آن آژانس، حملات و خسارات ناشی از آن‌ها را به تأسیسات هسته‌ای خویش بسیار گسترده‌تر اعلام نمود:

«علی‌رغم این مقررات، تأسیسات هسته‌ای عراق که تحت حمایت آژانس بودند در سال ۱۹۹۱ مورد حملات نظامی گسترده‌ای قرار گرفتند. این حملات منجر به تخریب تمامی این تأسیسات و انتشار مواد رادیو اکتیوی شد که در اثر آن آلودگی وسیعی به وجود آمده است و آثار آن هنوز ادامه دارد. تمامی تأسیسات این کشور از جمله رآکتورهای تحقیقاتی که دارای سوخت هسته‌ای تازه و مصرف شده بوده و در حداکثر ظرفیت خود مشغول به فعالیت بودند، در نتیجه بمباران و اصابت هزاران موشک و راکت تخریب شده‌اند. بمباران این رآکتورها و دیگر تأسیسات و آزمایشگاه‌های هسته‌ای منجر به انتشار مقادیر وسیعی از آلودگی انواع مواد رادیو اکتیو جامد و مایع شده است. همان‌طور که صدها تن ضایعات رادیو اکتیو را پراکنده کرده است. چنین وضعیتی در گزارش گروه کارشناسی که آژانس به سرپرستی آقای تاسیپلینکف برای بررسی اوضاع از تاریخ ۱۰ الی ۲۰ ژوئن سال ۱۹۹۲ به عراق اعزام نموده نیز منعکس شده است. در این بررسی میزان مواد آلوده کننده جامد در حدود ۶۱۳ الی ۷۶۳ تن و مواد مایع در حدود ۶۶۲ الی ۱۴۶۲ تن تخمین زده شده است».^{۲۸}

صرف‌نظر از داده‌های ضد و نقیض موجود در این گزارش‌ها این نکته قابل توجه است که نه دولت‌های ایالات متحد آمریکا و انگلستان و نه دولت عراق، در حمله و دفاع، مقررات ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی را مورد استناد قرار نداده‌اند، به گونه‌ای که حقوقدانان آمریکایی حمله به این تأسیسات را در پرتو مخالفت و عدم پذیرش

²⁷ House of Commons Defence Committee, Tenth Report, Preliminary Lessons of Operation Granby (Hc 1990-91 No. 287/I) pp. 10-11, Q. 35, Reprinted in : *Ibid*

²⁸ Text of Communication of 22 Sep. 1998 Received from the Permanent Mission of Iraq to International Atomic Energy Agency, G.C. (42)/ INF 19, 22 Sep. 1998.

قاعده مندرج در ماده ۵۶ توسط امریکا ارزیابی نموده‌اند. به هر حال این توجیه نیز - چنانچه در گزارش وزیر امور خارجه انگلستان نیز دیده می‌شود - به عمل آمده که: «... محل احداث رآکتورهای عراقی و این حقیقت که حمله به این تأسیسات بدون آلودگی هسته‌ای امکان پذیر بود به این معنی است که حمله حتی با رعایت مقررات ماده ۵۶ پروتکل اول نیز مشروع بود چرا که به واقع «موجب رها شدن نیروهای خطرناک و متعاقباً صدمات شدید میان سکنه غیرنظامی» نمی‌شد و عملاً هم نشد».^{۲۹}

در این استدلال به درستی «رها شدن نیروهای خطرناک و صدمات شدید به سکنه غیرنظامی»، علت وجودی ممنوعیت مندرج در ماده ۵۶ بیان شده و نظر به این واقعیت که حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق در خلال جنگ دوم خلیج فارس دارای چنین اوصافی نبوده، حملات انجام شده، حتی با رعایت مقررات پروتکل اول نیز مشروع دانسته شده این در حالی است که دولت ایالات متحد از ابتدا مقررات موجود در ماده ۵۶ را فاقد جنبه عرفی دانسته بود.^{۳۰}

۳. حمله یا تخریب نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق

با عنایت به مقررات بند اول ماده ۵۶ مشخص می‌شود که پروتکل نه «تخریب» بلکه «حمله» به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق را ممنوع اعلام کرده است. شاید در ابتدا تفکیک بین «حمله» و «تخریب» بی‌اهمیت تلقی گردد ولی واقعیت آن است که از طرفی همین موضوع اختلافاتی را در کنفرانس دیپلماتیک برانگیخت و از طرف دیگر پروتکل به دقت اقدام به تعریف «حمله» نموده است به گونه‌ای که به سادگی می‌توان آن را از «تخریب» متمایز نمود.

دولت ایالات متحد امریکا از جمله منتقدین اصلی استفاده از واژه «حمله» در ماده ۵۶ بود و به جای آن «تخریب» را پیشنهاد می‌کرد چرا که به زعم آن دولت،

²⁹ Rowe, *op. cit.*, p. 82.

³⁰ *Ibid.*, p. 81.

تخریب ممکن است منتهی به رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه صدمات شدید به سکنه غیرنظامی گردد ولی حمله الزاماً دارای چنین آثاری نیست.^{۳۱} معنای دیگر این رویکرد آن است که کارگاه‌ها و تأسیسات مورد نظر ماده ۵۶ صرفاً در برابر «حمله»^{۳۲} حمایت شده‌اند:

«کارگاه‌ها و تأسیسات تحت پوشش در برابر حملات مورد نظر در ماده ۴۹... حمایت شده‌اند... از طرف دیگر آن‌ها در برابر تخریب، انتقال و یا از کار انداختن (بی‌استفاده کردن) حمایت نشده‌اند... بنابراین روشن است که اگر شرایط اقتضا کند یک حکومت می‌تواند اقدام به تخریب کارگاه و تأسیسات مستقر در آن قسمت از سرزمین خود کند که در تصرف دشمن است و یا آن‌ها را از کار بیندازد. به هر حال حکومت موظف است که تمامی اقدامات ضروری را برای تضمین اینکه به سکنه غیرنظامی لطمه‌ای وارد نشود، به عمل آورد. همچنین یک قدرت اشغالگر یا قدرتی که بر منطقه تسلط دارد در صورتی که مطابق با ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم چنین تخریبی مطلقاً برای عملیات‌های نظامی، ضرورت داشته باشد، می‌تواند این تأسیسات را در مواردی چند تخریب کرده یا آن‌ها را از کار بیندازد. در چنین شرایطی قدرت مزبور باید تضمین کند که هیچ لطمه‌ای به سکنه غیرنظامی وارد نخواهد شد و در حالت استثنائی چنین تضمینی مستلزم آن است که سکنه غیرنظامی مطابق شرایط ماده ۴۹ تخلیه شوند».^{۳۳}

^{۳۱} *Ibid.*, p. 122.

^{۳۲} مطابق بندهای اول و دوم ماده ۴۹ پروتکل اول «حمله» به شرح ذیل تعریف شده است:
 «۱- حمله یعنی اعمال خشونت‌آمیز علیه دشمن، خواه برای هجوم یا دفاع.
 ۲- مقررات این پروتکل در خصوص حمله، درمورد کلیه حملات در هر سرزمینی که روی دهد، از جمله در قلمرو ملی متعلق به یکی از طرف‌های منخاصه که در دست طرف مخالف است، اعمال می‌شود».

^{۳۳} I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 670, para. 2125.

ب - اصل ممنوعیت حمله به اهداف نظامی مستقر یا مجاور نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق

با وجود مطالبی که در خصوص قواعد حقوقی حاکم بر ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق گفته شد واقعیت آن است که مشکل اصلی زمانی بروز می‌کند که تأسیسات نظامی یا دفاعی و یا اهداف نظامی در پناه یا مجاورت چنین نیروگاه‌هایی احداث شده باشند؛ از همین رو ماده ۵۶ از اعطای ممنوعیت مطلق حمله به این تأسیسات اجتناب کرده است.^{۳۴} با این حال قسمت اخیر بند اول این ماده به طور اصولی حمله به استحکامات و اهداف نظامی یا دفاعی مستقر یا مجاور نیروگاه‌های هسته‌ای را نیز ممنوع کرده است:

«... سایر هدف‌های نظامی که در این کارگاه‌ها یا تأسیسات یا در مجاورت آن واقع شده است در صورتی که حمله به آن‌ها موجب رها شدن نیروی خطرناک از این کارگاه‌ها یا تأسیسات و متعاقباً صدمات شدید برای سکنه غیرنظامی شود، نباید هدف حمله قرار گیرند.»

استقرار استحکامات یا اهداف نظامی در حریم نیروگاه‌های هسته‌ای به دو شکل قابل تصور است: استقرار استحکامات و اهداف نظامی در پناه یا در مجاورت نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق و استقرار استحکامات دفاعی.

۱. استقرار استحکامات و اهداف نظامی در پناه یا مجاورت نیروگاه‌های

هسته‌ای تولید برق

جز در مواردی که اهداف نظامی (از قبیل جاده، راه آهن، پل و غیره...) از قبل در نزدیکی یک نیروگاه هسته‌ای تولید برق وجود داشته باشد، نظر به ممنوعیت حمله به این نیروگاه‌ها، استقرار اهداف و استحکامات نظامی در پناه چنین نیروگاه‌هایی ممنوع است. به طور کلی حقوق بشردوستانه هرگونه سوءاستفاده نظامی از اماکن و اشخاص تحت حمایت را ممنوع اعلام کرده است. این ممنوعیت در خصوص

³⁴ Geoffrey Best, *War and Law since 1945*, Oxford Clarendon Press, 1997, p. 288.

سوءاستفاده از نیروگاه‌های هسته‌ای، در بند پنج ماده ۵۶ پیش‌بینی شده است: «طرف‌های متخاصم تلاش خواهند کرد که از استقرار هر هدف نظامی در مجاورت کارگاه‌ها یا تأسیسات مذکور در بند یک اجتناب نمایند...».

با وجود چنین ممنوعیتی در صورت استقرار این استحکامات و اهداف نیز حمله به آن‌ها ممنوع است و مصونیت نیروگاه‌های هسته‌ای به این استحکامات نیز تسری خواهد یافت^{۳۵} مگر آنکه - چنانچه به تفصیل گفته خواهد شد - حمله به آن تنها راه پایان بخشیدن به پشتیبانی نظامی آن‌ها باشد.

۲. استقرار استحکامات و تجهیزات دفاعی در یا اطراف نیروگاه‌های هسته‌ای

قسمت اخیر بند پنج ماده ۵۶ در این خصوص چنین مقرر داشته است: «... احداث تأسیساتی که هدف آن‌ها صرفاً دفاع از کارگاه‌ها یا تأسیسات مورد حمایت در برابر حمله می‌باشد، مجاز است و خود آن‌ها هدف حمله قرار نخواهند گرفت، مشروط بر اینکه از آن‌ها در مخاصمات جز به عنوان اقدامات دفاعی برای پاسخگویی به حملات ارتكابی علیه کارگاه‌ها و تأسیسات استفاده نشده و تسلیحات آن‌ها محدود به سلاح‌هایی باشد که صرفاً توانایی دفع اقدام خصمانه علیه کارگاه‌ها و تأسیسات مورد حمایت را دارند».

مقررات مندرج در این بند کاملاً جدید هستند.^{۳۶} هدف این بند حل مشکلات نظری بود که در کنفرانس اختلاف نظر بسیار شدیدی راجع به آن‌ها وجود داشت. در این راستا دو سؤال اساسی برای نمایندگان دولت‌ها مطرح بود: آیا تأسیسات و کارگاه‌های مورد نظر ماده ۵۶ احتیاج به تدابیر دفاعی نظامی دارند یا خیر؟ و در صورتی که پاسخ مثبت است چه نوع تسلیحاتی برای دفاع از آن‌ها لازم و متناسب خواهد بود؟ در پاسخ به سؤال اول گفته شد که: «... همواره وجود یک گارد انتظامی یا نظامی - حتی اگر در سطح کوچکی باشد -

³⁵ *Humanitarian Law in Armed Conflicts*, Edited by: The Federal Ministry of Defence of the Federal Republic of Germany, VR II3, August 1992, p. 49, para. 495.

³⁶ I.C.R.C. Commentary to Art. 56, *op. cit.*, p. 674, para. 2172.

برای حمایت از چنین تأسیساتی در برابر حملات تروریستی و خرابکارانه ضروری است (حداقل در خصوص تأسیسات هسته‌ای). وجود حداقل میزانی از ادوات نظامی مستقر در خود تأسیسات، عادی و قابل پذیرش است، چرا که ماهیت این تأسیسات با استقرار چنین ترتیبات دفاعی اندکی، تغییر نکرده و به ویژه چنین ترتیبات دفاعی نظامی تا زمانی که گارد نظامی و ادوات آن‌ها (از قبیل سنگرها، پدافندهای هوایی و غیره) صرفاً به دفاع از این تأسیسات هسته‌ای در برابر خرابکاری می‌پردازند، نمی‌توانند این تأسیسات را مطابق با بند ۲ ماده ۵۶ به هدف نظامی مشروع تبدیل نمایند».^{۳۷}

در کنفرانس نیز اکثریت نمایندگان وجود حداقل تدابیر دفاعی و نظامی در برابر خرابکاری‌های معمول در زمان غیر صلح را لازم دانستند.^{۳۸} با این حال مشکل اصلی از این جا ناشی می‌شود که نظر به مصونیت این نیروگاه‌ها ممکن است از تدابیر دفاعی نظامی آن‌ها برای حمله به هواپیماها و دیگر اهداف نظامی دشمن استفاده شود، لذا سؤال دوم مطرح گردید که چه ادواتی برای دفاع از این تأسیسات مناسب است.

در پاسخ به سؤال دوم در کنفرانس دیپلماتیک دو طرح ارائه شد. یک طرح اقدام به احصای ادواتی می‌کرد که قابل استقرار در این تأسیسات بود و طرح دوم بر تدافعی بودن این تسلیحات تأکید می‌کرد و تعیین نوع سلاح را لازم نمی‌دانست. طرح اخیر در بند ۵ ماده ۵۶ تصویب شد.^{۳۹} با این همه، از آنجا که تسلیحات و تجهیزات دفاعی نیز می‌توانند دارای کاربرد دوگانه (تهاجمی و تدافعی) باشند مشکل همچنان به قوت خود باقی ماند. برای حل این مشکل، صلیب سرخ طی تفاسیر خود سعی بر آن داشت که حسب دوری یا نزدیکی تأسیسات دارای نیروی خطرناک به صحنه کارزار ضابطه‌ای برای سطح تجهیزات دفاعی ارائه دهد:

«اگر کارگاه‌ها یا تأسیسات در نقطه‌ای دور از صحنه کارزار باشد، مسأله اصلی،

³⁷ The Handbook..., *op. cit.*, p. 198.

³⁸ I.C.R.C. Commentary to Art. 56, *op. cit.*, p. 647, para. 2173.

³⁹ *Ibid.*, pp. 674-675, para. 2174.

دفاع از این تأسیسات در برابر حملات نفوذی یا حملات چترپازان دشمن یا حملات دوربرد موشکی یا بمباران هوایی خواهد بود. از این رو برای حمایت از این تأسیسات، از طرفی به گارد نظامی مجهز به سلاح انفرادی سبک نیاز است و از طرف دیگر، استقرار پدافند ضد هوایی لازم می‌باشد.... [به هر حال] در فرضیه دیگر چنین پدافندی ممکن است برای حمله به هواپیمایی مورد استفاده قرار گیرد که با قصد حمله به اهداف نظامی غیر از کارگاه‌ها و تأسیسات مذکور در حال پرواز است. اینکه چنین وضعیتی می‌تواند مشکلات جدی را در قضاوت به وجود آورد، غیرقابل انکار است.

حال اگر کارگاه‌ها یا تأسیسات در نقطه‌ای نزدیک به محل کارزار باشند، گارد و پدافند نظامی که از آن‌ها دفاع می‌کند، به تحقیق بخش و جزئی از سیستم نظامی کامل آن‌ها بوده و تفکیک روشن بین تجهیزات نظامی تعبیه شده برای دفاع از چنین تأسیسات و کارگاه‌هایی از دیگر تسلیحات نظامی در آن نقطه دشوار خواهد بود. در چنین شرایطی ممکن است اطراف درگیر به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه‌ای از قبیل تخلیه مخازن آب یا توقف فعالیت تأسیسات هسته‌ای مولد الکتریسیته، تحریک شوند. آن‌ها همچنین ممکن است این امکان را مجسم کنند که با عدم دفاع از این تأسیسات یا کارگاه‌ها، آن‌ها بدون حمله مخربی که ممکن است منجر به رهاسازی نیروهای خطرناک شود، به تصرف دشمن درآیند.^{۴۰}

ج - استثنای ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق و اهداف نظامی مستقر در آن‌ها یا اطراف آن‌ها

چنانچه گفته شد پروتکل اول الحاقی، به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق در برابر حملات نظامی مصونیت مطلق اعطا نکرده است و با تحقق شرایطی چند می‌توان به این نیروگاه‌ها حمله کرد. شرط رافع این مصونیت «تولید نیروی برق در پشتیبانی منظم،

⁴⁰ *Ibid.*, p. 675, paras. 2175-2176; also see Kalshoven, *op. cit.*, p. 102.

مهم و مستقیم از عملیات نظامی» می‌باشد. قسمت (ب) از بند ۲ ماده ۵۶ پروتکل اول در این خصوص چنین مقرر می‌کند:

«در مورد یک نیروگاه هسته‌ای تولید برق، تنها در صورتی که نیروگاه مزبور نیروی برق را در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی تولید نماید، و چنین حمله‌ای تنها راه عملی پایان دادن به این پشتیبانی باشد [حمایت مخصوص در برابر حمله پیش‌بینی شده در بند یک قطع خواهد شد].»
چنانچه دیده می‌شود اجتماع دو شرط برای حمله به نیروگاه هسته‌ای تولید برق لازم است:

«تولید برق در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی» و «حمله به عنوان آخرین راه‌حل قطع پشتیبانی».

۱. تولید برق در پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی

عملیات نظامی به معنی هر نوع نقل و انتقال، رزمایش و عملیات نیروهای نظامی است که با قصد جنگ انجام می‌شود.^{۴۱}

واژه «منظم» با عنصر زمان ارتباط پیدا می‌کند و بدین معنی است که استفاده اتفاقی و پراکنده از این تأسیسات برای حصول به اهداف این بند کفایت نکرده و باید در استفاده، استمرار و یا حداقل نظم وجود داشته باشد.^{۴۲} در مقابل، واژه «مهم» از دقت کمتری برخوردار است با این حال باید در راستای سطح و اندازه اهمیتی که تولید برق برای عملیات نظامی دارد استنباط گردد. حمایت نباید ناچیز و تحت شرایط اتفاقی باشد بلکه باید قابل برآورد و دارای آثار واقعی و مؤثر باشد.^{۴۳} واژه «مستقیم» نیز به آن معنی است که حمایت و پشتیبانی باید بدون واسطه باشد. از این رو ارتباط میان عمل و آثارش باید نزدیک و بلاواسطه باشد.^{۴۴} مطابق تفاسیر صلیب

⁴¹ I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 671, para. 2161.

⁴² *Ibid.*, p. 672, para. 2162.

⁴³ *Ibid.*

⁴⁴ *Ibid.*

سرخ اجتماع همزمان این سه عنصر برای رفع مصونیت نیروگاه‌های هسته‌ای ضروری است:

«روشن است که پایان حمایت خاص [از نیروگاه‌های هسته‌ای] تنها با اجتماع همزمان تمامی شرایط بسیار مضیق پیش‌بینی شده محقق خواهد شد».^{۴۵}

به عبارت دیگر عبارات به کار رفته در ماده ۵۶ حاکی از آن است که پشتیبانی نیروگاه‌های هسته‌ای از عملیات نظامی باید به طور همزمان منظم، مهم و مستقیم باشد.^{۴۶}

الکتریسیته به طور کلی برای مقاصد متعدد و متنوعی اعم از نظامی و غیرنظامی مورد استفاده است که به طور نزدیکی با یکدیگر آمیخته‌اند، به ویژه که به طور شبکه‌ای به یکدیگر متصل بوده و در مجموع توانایی تولیدی کشور را نشان می‌دهند. از این رو مطابق تعریف فوق، این ادعا که عرضه الکتریسیته حمایت مستقیم از عملیات نظامی است، معقول نیست. به علاوه نظامیان و ادوات نظامی در هنگام حرکت از الکتریسیته استفاده نکرده و در این صورت هم الکتریسیته مورد نیاز را خودشان تولید می‌کنند. گزارشگر کمیته سوم کارکرد کارخانه‌های تولید مهمات، تسلیحات و تجهیزات نظامی را جزء اصطلاح «عملیات نظامی» دانسته است. در حالی که به نظر صلیب سرخ این تفسیر افراطی است چرا که اگر قصد بر آن بود که این اصطلاح شامل چنین کارکردهایی شود، باید ماده صراحتاً به آن اشاره می‌کرد. به هر حال گزارشگر افزوده که این اصطلاح، عملیات تولیدی اهداف غیرنظامی را - حتی اگر توسط نیروهای نظامی نیز مورد استفاده قرار بگیرند - شامل نمی‌شود.^{۴۷} با این حال نباید تردید کرد که تولید برق برای کارخانه‌های تولید سلاح، مهمات و دیگر مواد دفاعی، پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی به شمار می‌رود.^{۴۸} از نتایج مهم این بحث، تعیین تکلیف مسأله مشروعیت حمله به نیروگاه‌های

⁴⁵ *Ibid*

⁴⁶ *Ibid*, p. 672, para. 2162.

⁴⁷ *Ibid*, paras. 2165-2166.

⁴⁸ Humanitarian Law..., *op. cit.*, p. 49, para. 466.

هسته‌ای در حال ساخت، می‌باشد. به عبارت دیگر از آنجا که نیروگاه‌های در حال ساخت نمی‌توانند نقشی در «پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی» داشته باشند، حمله به آن‌ها در صورتی که منجر به رها شدن نیروهای خطرناک و صدمات شدید به سکنه غیرنظامی نشود، مشروع خواهد بود. به دیگر سخن در صورتی که نیروگاه‌های هسته‌ای در حال ساخت (مانند نیروگاه اتمی بوشهر) دارای اوصاف مورد نظر بند اول ماده ۵۶ پروتکل (قابلیت رهاسازی نیروهای خطرناک بر ضد سکنه غیرنظامی) باشند هرگز نمی‌توانند با استناد به استثنای مندرج در بند ب(۲) ماده ۵۶ هدف حمله واقع شوند چرا که هنوز به آمادگی لازم برای پشتیبانی نظامی مورد نظر آن بند نایل نشده‌اند. در این خصوص اشاره به حمله رژیم اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته‌ای در حال ساخت اوزیراک^{۴۹} عراق در سال ۱۹۸۱ می‌تواند مفید باشد. در هفتم ژوئن ۱۹۸۱ چندین فروند هواپیمای اف ۱۵ و اف ۱۶ اسرائیل بر فراز خاک عراق پرواز کرده و تأسیسات در حال تکمیل اوزیراک عراق را بمباران و تخریب نمودند.^{۵۰} این حمله اسرائیل محکومیت جهانی را به دنبال داشت و شورای امنیت را به طور اجماعی (حتی با مشارکت دولت ایالات متحد آمریکا) وادار به تصویب قطعنامه‌ای نمود که حمله مذکور را شدیداً محکوم کرد. به موجب بندهای یک و دو این قطعنامه، شورای امنیت:

«۱- شدیداً حمله نظامی اسرائیل را که نقض آشکار منشور ملل متحد و

هنجارهای رفتار بین‌المللی^{۵۱} می‌باشد، محکوم می‌کند؛

۲- اسرائیل را به اجتناب از تکرار این اعمال و یا تهدید به آن‌ها، فرا می‌خواند».^{۵۲}

نکته قابل توجه در این قطعنامه آن است که حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق

نقض آشکار «هنجارهای رفتار بین‌المللی» و نه «قواعد بین‌المللی» اعلام شده است.

⁴⁹ Osirak

⁵⁰ Frank Monaldo, "World Opinion of Israel Politics... Conservative": <http://www.suite101.com/article.cfm/politics-conservative/91036>.

⁵¹ Norms of International Conduct

⁵² S.C. Res., 487, 19 June 1981.

این بدان معنی است که در نظر شورای امنیت ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت هنوز «قاعده» نشده و در حالت «هنجاری» قرار دارد. نباید فراموش کرد که در هر حال چنین حمله‌ای نقض اصل منع توسل به زور و اصول منشور ملل متحد در این خصوص خواهد بود.

۲. حمله به نیروگاه هسته‌ای به عنوان آخرین راه قطع پشتیبانی

با احراز پشتیبانی نیروگاه هسته‌ای تولید برق از عملیات نظامی، حمایت مندرج در ماده ۵۶ برطرف شده و می‌توان به آن حمله کرد. با این حال باید دقت نمود که حمله به نیروگاه اتمی تولید برقی که در حال پشتیبانی نظامی است باید آخرین راه‌حل قطع این پشتیبانی باشد. در غیر این صورت یعنی در صورتی که بدون حمله به نیروگاه هسته‌ای مذکور نیز امکان قطع پشتیبانی نظامی وجود داشته باشد، چنین حمله‌ای برخلاف حقوق بین‌الملل تلقی خواهد شد. برای مثال در این خصوص توقف ارسال الکتریسیته از این نیروگاه‌ها به مقاصد نظامی نسبتاً آسان و قابل تصور به نظر می‌رسد، چرا که می‌توان با حمله به خطوط برق‌رسانی موجود میان نیروگاه مذکور و (برای مثال) کارخانه تولید مهمات به اهداف نظامی نایل شد و بدون خطر آزاد شدن نیروی خطرناک به نتیجه مورد نظر (قطع پشتیبانی) دست یافت.^{۵۳}

از طرف دیگر نظر به آثار شدید انسانی ناشی از حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق باید «تصمیم حمله به چنین تأسیساتی فقط توسط عالی‌ترین مقام نظامی»^{۵۴} و بر مبنای تمامی اطلاعات موجود در زمان حمله، اتخاذ گردد.^{۵۵} طرف‌های منخاصمه در صورت تصمیم به چنین حمله‌ای موظف به رعایت دیگر قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌باشند. به دیگر سخن حتی اگر تأسیسات هسته‌ای مورد نظر ماده ۵۶ پروتکل حمایت خویش را از دست بدهند، دیگر

⁵³ I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 673, paras. 2165-2166.

⁵⁴ *Ibid.*, p. 671, para. 2160.

⁵⁵ The Handbook..., *op. cit.*, pp. 197-198.

اشخاص و اهداف مورد حمایت همچنان تحت حمایت خواهند بود.^{۵۶} بند سوم ماده ۵۶ در این راستا چنین مقرر می‌دارد:

«سکنه و افراد غیرنظامی در کلیه موارد حق دارند از حمایت‌هایی که حقوق بین‌الملل به آن‌ها اعطا کرده، از جمله در زمینه اقدام‌های احتیاطی که در ماده ۵۷ پیش‌بینی شده، برخوردار شوند. چنانچه این حمایت قطع شود و هر یک از کارگاه‌ها و تأسیسات یا هدف‌های مذکور در بند یک مورد حمله قرار گیرد، کلیه اقدامات احتیاطی ممکن به عمل خواهد آمد تا از آزاد شدن نیروهای خطرناک جلوگیری شود.»

دولت‌های دارنده نیروگاه‌های هسته‌ای نیز مطابق مدلول ماده ۵۸ پروتکل باید چنین احتیاطی را به عمل آورند:

«...همچنین در خصوص تأسیسات هسته‌ای لازم است که طرف دارنده رآکتور حتی در صورت احساس کمترین خطر ناشی از درگیری در نزدیکی تأسیسات هسته‌ای، فعالیت رآکتور را متوقف نموده و دیگر احتیاطات ایمنی را به جای آورد.»^{۵۷}

از طرف دیگر هرگونه حمله به عنوان اقدام تلافی جویانه بر ضد نیروگاه‌های هسته‌ای نیز ممنوع است.^{۵۸}

کلیه قواعد مورد بحث در این بند و بند قبلی به خصوص حمله به دیگر اهداف نظامی و دفاعی مستقر در، یا در مجاورت نیروگاه‌های هسته‌ای نیز تسری می‌یابد.

⁵⁶ Klashoven, *op. cit.*, p. 97, see also I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 673, para. 2168.

برای مثال مطابق ماده ۵۵ پروتکل طرفین درگیر باید مراقب باشند که از روش‌ها و وسایل جنگی استفاده نکنند که آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست وارد ساخته و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه وارد شود. حال آنکه روشن است که رها شدن مواد هسته‌ای به چنین آثاری منتهی می‌شود.

⁵⁷ The Handbook..., *op. cit.*, p. 199.

⁵⁸ مطابق بند ۴ ماده ۵۶: «حمله به هر یک از این کارگاه‌ها و تأسیسات یا هدف‌های نظامی مذکور در بند یک به عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است.»

بند ج (۲) ماده ۵۶ ناظر بر چنین وضعیتی است:

«در مورد سایر هدف‌های نظامی واقع در این کارگاه‌ها و تأسیسات یا در مجاورت آن‌ها، فقط در صورتی که از آن‌ها برای پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی استفاده شود و چنین حمله‌ای تنها راه عملی پایان دادن به این پشتیبانی باشد [حمایت مخصوص در برابر حمله پیش‌بینی شده در بند یک قطع خواهد شد]».

د - وضعیت تعهدات حقوقی دولت‌ها در زمینه ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای

قسمت «ج» بند ۳ ماده ۸۵ پروتکل، نقض قواعد مندرج در ماده ۵۶ را «نقض شدید» در نظر گرفته است. به موجب این ماده:

«... اعمال مشروح زیر، هنگامی که عمداً، با تخطی از مقررات مربوطه این پروتکل انجام شود و منجر به مرگ یا آسیب جدی به بدن یا سلامت گردد، نقض شدید این پروتکل قلمداد خواهد شد:

الف - ... ب - ...

ج - حمله علیه استحکامات و تأسیسات دارای نیروی خطرناک، با علم به اینکه چنین حمله‌ای موجب خسارات پیش از حد جانی، جراحی غیرنظامیان یا آسیب به اموال غیرنظامی، آن‌گونه که در بند (۲) الف (۳) ماده ۵۷ تعریف شده، خواهد شد».

مطابق ماده ۹۱ پروتکل دولتی که مرتکب نقض شدید پروتکل اول الحاقی

گردد، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود:

«طرف مخاصمه‌ای که موازین کنوانسیون‌ها و یا این پروتکل را نقض نماید عندالاقضاء ملزم به پرداخت غرامت خواهد بود. طرف مذکور در قبال کلیه اعمالی که توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابند که بخشی از نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهند، مسؤول می‌باشد».

طبق بند ۵ ماده ۸۵^{۵۹} نقض شدید مقررات پروتکل، علاوه بر مسئولیت مدنی طرف مخاصمه،^{۶۰} «جنایت جنگی» تلقی می‌شود و مسئولیت کیفری افراد ناقض را به دنبال خواهد داشت. از این رو می‌توان علاوه بر درخواست جبران خسارت از طرف مخاصمه، تعقیب و مجازات بین‌المللی آمران و مباشران حمله غیرموجه به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق را درخواست نمود.

صرف‌نظر از ضمانت‌اجراهای موجود در پروتکل اول این سؤال اساسی مطرح است که آیا مقررات مندرج در ماده ۵۶ واجد جنبه عرفی، و در نتیجه برای تمامی دولت‌ها، اعم از دول عضو و غیرعضو پروتکل لازم‌الاجرا است یا جنبه قراردادی داشته و صرفاً در برابر دول عضو قابل استناد می‌باشد. به دیگر سخن آیا ممنوعیت مندرج در ماده ۵۶ تدوین یک قاعده عرفی موجود، یا یک قاعده قراردادی عرفی شده است یا یک قاعده صرفاً قراردادی؟

اگرچه مقرر در ماده ۵۶ به اختصار در ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقی در خصوص قواعد حاکم بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی و همچنین بند (۸۶) بخش ششم «بولتن دبیر کل ملل متحد در خصوص رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای ملل متحد»^{۶۱} تکرار شده است، در وهله اول به سختی می‌توان قائل به عرفی بودن قاعده ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق

^{۵۹} مطابق این بند: «بدون آنکه لطمه‌ای به اعمال کنوانسیون‌ها و پروتکل حاضر وارد شود، نقض شدید این اسناد باید در حکم جنایات جنگی تلقی گردد».

^{۶۰} در قضیه حمله به تأسیسات هسته‌ای اوزیراک عراق، شورای امنیت با تصویب بند ۶ قطعنامه ۴۸۷ عراق را مستحق دریافت غرامت دانست: «۶۰ چنین در نظر می‌گیرد که عراق مستحق دریافت غرامتی متناسب با خرابی‌های تأسیساتش می‌باشد، و اسرائیل مسئولیت چنین غرامتی را عهده‌دار است».

^{۶۱} «۸۶ نیروهای ملل متحد نباید تأسیسات دارای نیروهای خطرناک که عبارتند از سدها، آب‌بندها و تأسیسات هسته‌ای تولید الکتریسیته را هدف عملیات نظامی قرار دهند در صورتی که چنین عملیاتی منجر به رهاسازی نیروهای خطرناک شده و خسارات شدیدی را در میان سکنه غیرنظامی به وجود آورد».

بود، چرا که چنین استنباطی با کارهای مقدماتی پروتکل اول، رویه دولت‌ها و رویه سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط در تعارض است. با رجوع به تاریخچه تصویب ماده ۵۶ مشخص می‌شود که از طرفی تا زمان تصویب این ماده هیچ‌گاه نیروگاه هسته‌ای تولید برقی مورد حمله قرار نگرفته بود و از طرف دیگر در عمل واکنش جامعه بین‌المللی به خسارات و صدمات وحشتناک ناشی از حمله به سدها و آب‌بندها در جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ ویتنام و کره شمالی بود که فکر ممنوعیت حمله به کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروی خطرناک را در ذهن فعالان بشردوست به وجود آورد^{۶۲} و نظر به نیروی غیرقابل تصور آزاد شده در اثر بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی حمایت از نیروگاه‌های هسته‌ای نیز به فهرست تأسیسات مذکور افزوده شد. به علاوه نحوه برخورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز به گونه‌ای است که بیانگر عدم اعتقاد به عرفی بودن قاعده مندرج در پروتکل می‌باشد. در این راستا صلیب سرخ پس از ذکر اصول تفکیک و تناسب به عنوان «اصول لازم‌الاجرای شناسایی شده برای هر طرف مخاصمه» برای رعایت مواد ۵۵ و ۵۶ پروتکل اول از دولت‌ها دعوت به عمل آورده است:

«کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دولت‌هایی را که عضو پروتکل دوم نیستند به رعایت مواد ذیل در زمان مخاصمه مسلحانه که از اصل مبنایی مصونیت شهروندان از حملات نظامی استنباط شده‌اند، دعوت می‌کند:

- ماده ۵۵: حمایت از محیط زیست طبیعی

- ماده ۵۶: حمایت از کارگاه‌ها و تأسیسات دارای نیروهای خطرناک»^{۶۳}.

اگرچه در خصوص عرفی بودن مقررات ماده ۵۵ پروتکل با عنایت به رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶^{۶۴} تردیدی باقی نمانده، ولی در خصوص مقررات

⁶² I.C.R.C. Commentary to Art. 56..., *op. cit.*, p. 668, paras. 2143-2145.

⁶³ Documents Published in: *International Review of the Red Cross*, vol. 31, 1991, p. 21; Reprinted in: Rowe, *op. cit.*, p. 80.

⁶⁴ Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, *ICJ Reports*, 1996, para. 31.

ماده ۵۶ می‌توان گفت که ادبیات این «دعوت» که دقیقاً پس از ارجاع به مقرراتی آمده که صلیب سرخ مدعی شناسایی آن‌ها به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است، به گونه‌ای بیانگر این واقعیت است که در نظر صلیب سرخ مقررات ماده ۵۶ اعلام عرف موجود نمی‌باشد.^{۶۵}

نویسندگان امریکایی با استناد به چنین وضعیتی ضمن مخالفت با هرگونه ادعای عرفی بودن مقررات ماده ۵۶ مدعی ابتکاری بودن آن شده‌اند:

«... ماده ۵۶ از ابتکارات پروتکل اول محسوب می‌شود و به نوبه خود یکی از موادی بود که ایالات متحد هنگام تصمیم به خودداری از عضویت در پروتکل اول از پذیرش آن صراحتاً با ذکر «از لحاظ نظامی غیرقابل پذیرش است» امتناع ورزید. به دیگر سخن ایالات متحد و دیگر دولت‌ها به وضوح این ماده را تدوین حقوق عرفی ندانستند».^{۶۶}

عملکرد دولت‌های درگیر با قضیه نیز مثبت عرفی بودن مقررات مندرج در ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی نیست به نحوی که هیچ‌کدام از دولت‌های حمله‌کننده و قربانی حمله که عضو پروتکل اول الحاقی نبودند، مقررات پروتکل در خصوص حمایت از نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق را مورد اعتنا و استناد قرار نداده‌اند.

رویه سازمان‌های مرتبط با حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی و مواد هسته‌ای نیز مؤید عرفی نبودن مقررات ماده ۵۶ پروتکل است به طوری که شورای امنیت در قضیه حمله اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای اوزیراک صرف‌نظر از محکومیت نقض صلح و امنیت بین‌المللی، چنین حمله‌ای را «نقض بارز هنجارهای (و نه قواعد) رفتار بین‌المللی» اعلام کرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با تصویب قطعنامه‌های پی‌درپی ضمن انتقاد از عدم شمول مقررات ماده ۵۶ پروتکل، بر لزوم توسعه حقوق بین‌الملل در این خصوص تأکید کرده است. بنابراین در برخورد اول باید پذیرفت که تعهدات موجود در ماده ۵۶ پروتکل اول و ماده ۱۵ پروتکل دوم فاقد جنبه عرفی

⁶⁵ Rowe, *op. cit.*, p. 81.

⁶⁶ *Ibid*

بوده و صرفاً علیه دولت‌های عضو این پروتکل‌ها قابل استناد می‌باشند. با این حال در حال حاضر هیچ دولتی اعم از عضو یا غیرعضو پروتکل الحاقی را نمی‌توان یافت که مدعی آزادی مطلق خود در حمله به نیروگاه‌ها و حتی دیگر تأسیسات هسته‌ای باشد؛ گویی که حداقل این اعتقاد در میان تمامی دولت‌ها وجود دارد که نظر به نیروی بسیار خطرناک و دیرپای ناشی از تخریب چنین تأسیساتی، حمله به آن‌ها باید تابع دقت و اقدامات احتیاطی باشد که میزان خسارت و صدمه به سکنه غیرنظامی را به حداقل برساند. طرز برخورد دولت‌های ایالات متحد آمریکا و انگلستان به عنوان دولت‌های حمله‌کننده به تأسیسات هسته‌ای عراق گویای این اعتقاد است. از این رو ضمن پذیرش مبنای قراردادی قاعده مندرج در ماده ۵۶ پروتکل می‌توان مدعی عرفی شدن جانمایه قواعدی شد که هدف از آن‌ها صیانت از بشریت و محیط زیست بشری در برابر نیروهای خطرناک ناشی از حمله به تأسیسات هسته‌ای می‌باشد به ویژه آنکه چنین دیدگاهی همسو با هدف محوری نظام حقوق بین‌الملل بوده و با ماهیت اصولاً بین‌المللی بحران‌های ناشی از چنین حملاتی تقویت می‌شود. با وجود توسعه تدریجی قاعده مذکور، این اعتقاد یک‌جانبه در نزد دولت‌های آمریکا، انگلستان^{۶۷} و اسرائیل^{۶۸} در حال گسترش است که می‌توان به منظور جلوگیری از تولید و توسعه احتمالی و ادعایی سلاح‌های اتمی به تأسیسات دولت‌های مظنون یورش برد و آن‌ها را تخریب نمود؛ اعتقادی که خالی از هرگونه وجهه حقوقی است.

نتیجه

قواعد حقوق بشردوستانه برای حمایت از تأسیسات هسته‌ای به مقررات قراردادی مندرج در ماده ۵۶ پروتکل اول و ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقی به چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ محدود می‌شود. مقررات این پروتکل‌ها نیز دارای محدودیت‌های قابل توجهی است؛ این مقررات از طرفی در میان تأسیسات هسته‌ای - با وجود فلسفه

⁶⁷ *Ibid.*, p. 82.

⁶⁸ Monaldo, *op. cit.*

مشترک - صرفاً نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق را مورد حمایت قرار داده و از طرف دیگر به هیچ‌وجه قائل به حمایت مطلق از این نیروگاه‌ها نشده است به نحوی که اولاً چنین حمایتی محدود به مواردی است که حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای منجر به رها شدن نیروهای خطرناکی شود که قادر به وارد ساختن صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی باشد و ثانیاً در صورت احراز پشتیبانی منظم، مهم و مستقیم نیروگاه هسته‌ای تولید برق از عملیات نظامی نیز حمایت مذکور برطرف و نیروگاه به هدف نظامی مشروع تبدیل می‌شود، مشروط بر آنکه چنین حمله‌ای تنها راه پایان بخشیدن به پشتیبانی مذکور باشد. برق رسانی به منظور تولید مهمات، اسلحه و دیگر تجهیزات نظامی از مصادیق بارز پشتیبانی مورد نظر پروتکل می‌باشد.

در مورد نیروگاه‌های هسته‌ای در حال ساخت نیز این نتیجه قابل توجه است که نظر به عدم آمادگی این نیروگاه‌ها برای پشتیبانی از عملیات نظامی، امکان حمله به آن‌ها به استناد پشتیبانی از عملیات نظامی منتفی است. با وجود این، تنها زمانی می‌توان مدعی ممنوعیت مطلق حمله به چنین نیروگاه‌هایی شد که به سطحی از پیشرفت فنی و ساختمانی رسیده و دارای آن مقدار از مواد اتمی باشند که در صورت حمله منجر به رها شدن نیروهای خطرناک و متعاقباً صدمات شدید بر سکنه غیرنظامی گردند.

پروتکل حمله نامشروع به نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق را در حکم جنایات جنگی در نظر گرفته و برای مرتکبین و آمران آن مسئولیت کیفری و برای دولت طرف مخاصمه مسئولیت بین‌المللی در نظر گرفته است. به هر حال مقررات پروتکل فاقد جنبه عرفی بوده و صرفاً در میان دولت‌های عضو قابل استناد است. بنابراین باید نتیجه گرفت که حقوق بین‌الملل موجود از تأسیسات هسته‌ای حمایت کافی به عمل نیاورده است. با وجود این، عملکرد دولت‌های درگیر با این قضیه - که با وجود عدم عضویت در پروتکل بیشترین دقت را در حمله به تأسیسات هسته‌ای به خرج داده‌اند و درصدد توجیه چنین حملاتی بر آمده‌اند، عملکرد شورای امنیت در محکومیت اسرائیل برای «نقض بارز هنجارهای رفتار بین‌المللی» به علت حمله به تأسیسات هسته‌ای اوزیراک عراق در دهه ۸۰ و عملکرد کمیته بین‌المللی انرژی اتمی

در تصویب قطعنامه‌هایی در حمایت از تأسیسات هسته‌ای، از جهتی بیانگر وجود این اعتقاد در میان عاملان بین‌المللی است که صرف‌نظر از مقررات پروتکل‌های الحاقی، آزادی آن‌ها در حمله به تأسیسات هسته‌ای به هیچ‌وجه نامحدود نیست. این استدلال همچنین با استناد به اصل ممنوعیت حملات دارای آثار دیرپا، گسترده و شدید بر محیط زیست تقویت می‌شود. و از جهت دیگر گویای شکل‌گیری تدریجی قاعده عرفی مبنی بر حمایت از کلیه تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات نظامی است. با وجود این، نظر به علت وجودی چنین حمایتی (صیانت از سکنه غیرنظامی)، در صورت شکل‌گیری و تثبیت قاعده عرفی نیز قاعده مذکور مطلق نبوده و تأسیسات هسته‌ای مستقر در مناطق دور از سکنه غیرنظامی و خارج از اهمیت‌های زیست محیطی را شامل نخواهد شد.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. II, NO. 2

2003-2

Articles

- Saddam's Trial and the Question of Jurisdiction in National and International Law
- Judgment of the International Court of Justice in the Oil Platforms Case: Judicial Diplomacy in International Justice
- Construction of the Wall in Palestinian Occupied Territories: the Question of its Legitimacy in the Shadow of Human Rights and Humanitarian Law
- Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA) and Standards of Foreign Investment
- How to Apply the Principle of Non-Refoulement in front of War Refugees?
- Legal Nature of Bank Guarantee in the Iranian Law

Special Issue : International Law and the Establishment of Nuclear Security

- Nuclear Security and Non-Proliferation in International Customary Law
- Nuclear Weapons as a Point of Coincidence of *Jus ad bellum* and *Jus in bello*
- The Place of Provisional Application of the Additional Protocol to NPT in the Iranian Public Law
- The Protection of Nuclear Installations in Armed Conflicts

Critique and Presentation

- Decision of the General Board of the Supreme Court about Hearing of Insolvency Claim Before Imprisonment in Context of Iran's International Obligations



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study